

تحقیقات جاحظ راجع بشعور مورچه

است. دکتر بنذل الرحمن که اکنون معلم عربی مدرسه شرقیه لاهور است وقتی که در دارالعلوم ما بتحقیق اشتغال داشت موضوع تفحصات خود را کتب جاحظ قرارداد و جاحظ را

بمناسبت کتاب بزرگ «الحيوان» پیشرو علمای طبیعی عرب میدانند^۱ دکتر بنذل الرحمن که جوانی فعال و لایق است بنا بر تقاضای من توجه خاصی باین مسئله معطوف داشت که آیا در کتب جاحظ دلیلی میتوان یافت که صاحب کتاب شخصاً در عواید و زندگانی حیوانات مطالعات و تحقیقاتی کرده باشد یا نه.

بالاخره عبارتی بنظر رسید که قضیه را حل کرد. در موضوع شعور حیوانات جاحظ گوید و قتیکه مورچه غلات را ذخیره میکند بطوری سروته دانه ها را قطع مینماید که دیگر نرویند. بعد از زحمات و تفحصات برای تحقیق این قول بالاخره بنا بر قول مستر هوراس دینس تورپ که یکی از اساتید علم مورچه شناسی انگلستان است بر من مسلم شد که جاحظ بخطا نرفته است و امیدوار شدم که همین مطلب دلیل است که آن محقق قدیم عرب شخصاً نکته را در حیات حیوانات مطالعه کرده که اغلب علمای جدید از آن بیخبر بوده اند. اما متأسفانه همین موضوع را بعدها در کتاب پلینی^۲ پیدا کردم و از این جهت گمان میکنم این اطلاع جاحظ مبنی بر سماع و روایت بوده نه بر تحقیق شخصی و مطالعه مستقیم در حیات مورچهگان.

علوم جدید اروپائی در ایران

در هر يك از علوم عرب همین سوال پیش میآید و جوابش را فقط کسی میتواند بگوید که در کتب علمیه قدما تبحر کامل داشته باشد. آیا در کتاب بزرگی که ابن البیطار بزبان عربی راجع به نباتات طبی نوشته مطلبی هست که در کتاب دیوس کوریدس^۳ نباشد؟

(۱) منلا: در تاریخ Aerzte و علمای طبیعی عرب (کونین کن ۱۸۴۰) تألیف و مستفید صفحه ۶-۲۵ (نمره ۶۵) نظریه دکتر بروکلین صحیح است (تاریخ ادبیات عرب جلد اول صفحه ۱۵۲) اما انتقادیرا که از ملاحظات دکتر ل. لوکلرک کرده بزرحت میتوان پذیرفت (تاریخ طب عرب جلد اول صفحه ۴۱۴) (۲) پلینی عالم رومی است کتابی در تاریخ طبیعی در ۳۷ مجلد نگاشته که بهترین مجموعه علوم عهد قدیم است در سنه ۸۹ بعد از میلاد هنگام آشفتهای کوه وزو و برای رها کردن بیچارگان و مطالعه احوال طبیعی آتش نشان نزدیک محل انفجار رفت و بواسطه بغارات مسموم خفه شد (مترجم) (۳) Dioscorides از اطباء یونانی است که در قرن اول میلادی میزیسته (مترجم)

جواب سؤال مزبور هرچه باشد این نکته مشکوک می ماند که آیا علمای مسلمین در قرون اخیر از اسلاف خود پیش رفته حتی بر تبه و پایه آنها رسیده اند یا نه؟ در این اواخر خاصه بعد از تأسیس دارالفنون یعنی اوایل عهد ناصرالدین شاه چندین ترجمه اقتباس از کتب علمی اروپائی شده اما این ترجمه ها عموماً پانثائی غریب است و بزحمت اسم آنها را میتوان در ادبیات ایران داخل نمود. عده از آنها را در کتاب «مطبوعات و شاعری ایران جدید» صفحه ۶۶ - ۱۵۴ نام برده ام و عنوان این قسمت چنین است: «تأثیرات تجدد آور در عالم مطبوعات غیر از مجلات و جرائد» اما از ایرانیانی که بعد از اواسط قرن سیزدهم هجری در مدارس اروپا تحصیل کرده و باخذ درجه علمی نائل شده اند هیچکس را نمی شناسم که در اختراع و ابتکار کشفیات جدیده کسب افتخار و شهرتی کرده باشد.^۱

در خاتمه لازم است کلمه چند راجع به علوم خفیه بنگاریم این علوم خفیه
 علوم شامل نجوم و کیمیا میشوند زیرا که در مشرق زمین نجوم و کیمیا را از هیأت و شیمی جدا نمیدانند در عربی و در فارسی شیمی را کیمیا میگویند و اسم چهار عالم دیگر را نیز که از طلسم و جادو و نیرنگ بحث مینماید بهمان شکل درست کرده اند آنها را لیمیا و هیمیا و سیمیا و ریمیا مینخوانند و حروف اولیه این پنج علم از کلمات «کله سر» مأخوذ است یعنی این علوم تمام سری است و کتاب موسوم باسرار قاسمی^۲ که فارسی است و کتاب شمس المعارف^۳ تألیف شیخ البونسی معروف که عربی است نمونه این قبیل مؤلفات بشمار میروند. و از این قسمت ادبیات

(۱) دکتر محمد کرمانشاهی معروف بکفری که در سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ وفات یافت در امراض قلبی متخصص شد و اول کسی بود که دقت اطباء را بیک طبع خفیف قلبی متوجه ساخت این صدارا بفرانسه آمبولمان *AmPiolement* مینامند و از عوارض و خواص آمبولسم - *Embolism* است که دکتر محمد در آن باب رساله بزبان فرانسه منتشر نموده است دکتر مشارالیه چندین کتاب طبی راجع بامراض نسوان و اطفال بزبان فارسی نوشته است. ت. ز. من نتوانستم از این کشفی که بدکتر محمد نسبت داده اند اثری بیابم و حتی کلمه فرانسوی که با این معنی مناسب باشد نیافته ام و حدس میزنم شاید آمپی لمان (*Empilement*) باشد و در این باب با دو نفر از معارف اطبا نیز مشاوره نموده ام و ایشان هم اطلاعی نداشته اند (مؤلف) (۲) چاپ سنگی در بیتهی سال ۱۸۸۵ و ۱۸۹۴ (۳) نسخه چاپ ۱۳۱۸/۱۹۰۰ در دست من است اما چند چاپ دیگر هم از این کتاب در هند و مصر منتشر گشته است

حکایت میکنند. ناجایی که من اطلاع دارم این خلدون تنها نویسنده است از مسلمانان که سعی کرده است يك اساس فلسفی و عقلانی باین علوم ادعایی بدهد و پروفیسور دنكاك بلاك مكدونال با کمال مهارت در کتاب جالب و شیرین خود موسوم به «اوضاع و حیات دینی در اسلام» *The religious Attitude and Life in Islam*^۱ افکار و آراء این خلدون را با تحقیقات روحی *۱۴* جدید مطابقت و مقایسه کرده است. من همیشه در مقابل قوت و قدرتی که جن گیران و جادوگران ادعا می کرده اند نظری باز و خالی از تعصب داشته ام و هر وقت ممکن بوده از طریق خود منحرف شده و مدتی در پی تحقیق و تفتیش اعمال آنها صرف وقت نموده ام و همیشه نوید بسرگشته ام مگر در دو مورد یکی در تابستان ۱۸۸۸ هنگام توقف در کرمان که جادوگری را دیدم که در ضمن اظهارات بیجا و بی اساس خود کاری کرد که بکلی از فهم آن عاجز مانده متعجب شدم^۲ دیگر شیخ حبیب احمد مؤلف کتاب انگلیسی حیرت بخشی موسوم به اسرار اصوات و اعداد^۳ را دیدم که اگر تمام مدعیات او را قبول نکنم لااقل باید گفت که در خواندن سرائر و ضمائر نهایت مهارت و قدرت را داشت.

IV تواریخ - عمومی و اختصاصی و محلی

با کمال تأسف و برخلاف میل قلبی باید اذعان کرد که در تالیف کتب تاریخی ایرانیا خیلی از عرب عقب مانده و قوم اخیر الذکر در این رشته ادبی گوی سبقت ر بوده وقایع نگاران قرون اولیه اسلام مثل طبری عباراتشان عیناً نقل قول شهودی بوده که بچشم خود و قایع را دیده و اخبارشان با اهتمام فوق عرب بر ایرانیا و دقت تمام از میان سلسله روایات بمورخ میرسیده است این وقایع نگاران نه تنها مطالب را بر طبق حقیقت نقاشانه ترسیم می کرده اند بلکه از آن ازمنه بمیده مواد تاریخی مفیدی در دسترس ما گذاشته اند که بنابر اسناد مندرجه صحت و سقم آنها را میتوانیم مورد بحث و تحقیق قرار بدهیم هر چند راجع بصحت قول روایات واستحکام سلسله اخبار رأی ما با مسلمین متفاوت است مورخین عرب که بعدها آمدند این اقوال و اسناد گرانها و خستگی آور را

(۱) مطبعة دارالعلوم شیکاگو ۱۹۰۹ (۲) رجوع کنید بکتاب من رسالی در میان ایرانیا ص ۵-۴۵۳ (۳) لندن نیکلس و کلبانی ۱۹۰۳ ص ۱۱۴ + XIV ۲۱۱

خلاصه کردند و فشرده و پاک نمودند ولی عبارتشان لطافت و ایجاز سابقین را از دست نداد و مثل عبارات وقایع نگاران عهد قدیم نقاشانه و متقاعد کننده بود. بهترین مورخان زبان فارسی هم تا قرن سیزدهم اگر چه در لطافت و کشندگی به پایه عربها نمیرسند لیکن مردمان لایق و قابل اعتمادی بوده اند.^۱ بی ذوقی و کج سلیقه‌ی سلاطین و حکام مغول و ترك اسباب فساد و خرابی تاریخ را فراهم آورد و انشاء مطالب را ضایع کرد. این حالت در تاریخ جهانگشای جوینی (که در حدود ۱۲۶۰/۶۵۸ تألیف گشته)^۲ و در تاریخ و صاف که در ۱۳۱۲/۷۱۲ بانجام رسیده و دنبالهٔ تاریخ جوینی محسوب میگردد نمایان است سابقاً گفتیم که تاریخ و صاف چه اثر بد و مخربی در تاریخ نویسی قرون بعد نموده است. در میان تواریخ اخیرهٔ فارسی کمتر کتابی دیده‌ام که بیایهٔ تاریخ تجارب السلف تألیف هندو شاه بن سنجر ابن عبدالله الصاحبی الکیرانی که در ۱۳۲۴/۷۲۴ برای نصره الدین احمد اتابک لرستان نوشته شده است برسد. و اتفاقاً این کتاب هم تقلید و رو نویس تاریخ عربی است که صفی الدین محمد بن علی العلوی الطقطقی (در سال ۱۳۰۲/۷۰۱) تألیف کرده و معمولاً آن را کتاب الفخری میگویند^۳ اما در اینجا موسوم است به حنیة الفضالی تواریخ الخلفاء و الوزراء. کتاب تجارب السلف در ذوق اهل این عصری که تحت بحث است مقبول نیفتاد زیرا که نه تنها تا کنون بزیور طبع آراسته نشده بلکه تاجائی که اطلاع دارم جز دو نسخهٔ آن موجود نیست یکی نسخهٔ من که علامت G. 3 دارد و در سنهٔ ۱۲۸۶/۱۸۷۰ نوشته شده و دیگر نسخهٔ کتابخانهٔ ملی

(۱) البته مؤلف مقصودش از مورخان عرب که برتر از ایرانیان هستند اشخاصی است که بزبان عربی تاریخ نوشته اند که کتابشان بر تواریخ فارسی مرجع است اهم از ایرانی نژاد و عرب نژاد والا طبری و ابوریحان و حمزه و ابوالفرج و اکثر اشخاصیکه تاریخشان بزبان عربی است اصلاً ایرانی بوده اند (مترجم) (۲) جهانگشا از کتب بسیار مشهور اوایل عهد سلطهٔ مغول است و در سال ۶۵۵ بیابان رسیده و انشاء آن در کمال استادی و بلاغت است (مترجم) (۳) دفعهٔ اول آلوارد Ahlwardt از روی نسخهٔ پاریس آنرا دوگوتا در سنهٔ ۱۸۶۰ بطبع رسانید اما نسخهٔ مصحح این کتاب در ۱۸۹۵ در پاریس بتوسط درنبروک H. Derenbourg چاپ شده و لااقل دو مرتبه هم در نهایت خوبی در مصر بطبع رسیده است. ترجمهٔ فرانسهٔ آن هم نظم ایل امادو بتوسط جمعیت مطالعات راجدهٔ برآکش در ۱۹۱۰ در پاریس منتشر گردیده

پاریس^۱ که تاریخ تحریر آن ۷/۱۳۰۴ - ۱۸۸۶ است.^۲

بعضی از تواریخ
معتبره عصر اخیر
موجب ملال و عاری از فایده خواهد بود که تمام کتب تاریخی
چهار قرن اخیر ایران را نام بریم. تواریخ مربوطه بزمانهای
خاص را در قسمت نخستین این کتاب نام برده بلکه بتفصیل
وصف کرده ایم مخصوصاً صفوة الصفا در احوال شیخ صفی الدین جد سلاطین صفوی
و حالات شاه اسمعیل بنقل از سرا. دنی سن راس در مجله انجمن همایونی آسیائی
در ۱۸۹۶ صفحه ۸۳-۲۶۴. و احسن التواریخ حسن روملو که در ۸-۱۵۷۷/۹۸۵
تألیف شده و تاریخ عالم آرای عباسی اسکندر منشی که در ۱۶۱۶/۱۰۲۵ تدوین یافته
است. غیر از اینها چندین تاریخ دیگر راجع باحوال اشخاص معین در اواخر عهد صفویه
نوشته شده است مثل فوائد صفویه (۷/۱۲۱۱-۱۷۹۶) و تذکره آل داود (۴/۱۲۱۸)
- ۱۸۰۳) که اگر در دسترس می بود برای تصنیف این کتاب بآنها رجوع مینمودم اما
متأسفانه بدست نمی آید. در باب عهد بعد از صفویه چندین کتاب اروپائی موجود
است که ما را از تواریخ فارسی تا اندازه بی نیاز می کند. اما تواریخ فارسی بعضی از
آنها مثل تاریخ زندیه^۳ و مجمل التاریخ بعد النادریه^۴ در اروپا طبع شده و برخی در
ممالک شرقی در مطابع سنگی چاپ گردیده است از قبیل دره نادری میرزا مهدی بنخان
استرآبادی که بسهولت بدست توان آورد. این تواریخ اختصاصی غالباً حاوی مطالب
سودمندی است و اشخاصیکه راجع باین دوره مطالعاتی میخواهند بکنند ناگزیر از
مراجعه آنها خواهند بود اما افسوس که ناز تا وین و تحریر آنها بسیار مفشوش و
مغلق است و عبارت پردازی و اظهار فضل و ایراد لغات غیر مانوسه فائده آنها را تقلیل
داده است و درین باب پیش از این شکایت کرده ایم.

فقر اغلب تواریخ
عمومی فارسی
در باب تواریخ عمومی این عصر مثل حیب السیر خوند میر
۱۵۲۳ / ۹۲۹ و ملحقات روضة الصفات تألیف رضاقلی خان
هدایت و ناسخ التواریخ لسان الملک و تواریخ کمیاب

(۱) رجوع کنید بهرست نسخ فارسی و غیره تألیف بلوشه (پاریس ۱۹۰۵) جلد اول
صفحه ۲۵۱ شفر ۲۳۷ - تنه فارسی ۱۵۵۲ (۲) این کتاب در ۱۳۱۳ بتوسط آقای اقبال
آشتیانی در طهران طبع گردید (مترجم) (۳) چاپ ارنت بیرلین ۱۸۸۸ (۴) چاپ
اسکارمان لینن ۱۸۹۱

خلدیرین (۱۱۰۷۱-۱۶۶۰) چیز زیادی نمیتوان نوشت زیرا که تمام این تواریخ راجع به حوادث زمان مؤلف با تواریخ مختصر سابق الذکر تفاوتی ندارند و راجع بوقایع قرون سالفه هم چندان اهمیتی برای آنها نمیتوان قائل شد زیرا که از کتب سابقین التفاطاتی کرده در تشخیص اسناد و ترتیب وقایع کمال بی مواظبتی بخرج داده اند بعلاوه این تواریخ تاریخیات ایران محسوب نمیشود بلکه اغلب سرگذشت سلاطین و شاهزادگان و امرای خارجی است که بی درپی بر اهل ایران جابرانه سلطنت کرده و در میدان غارتگری از یکدیگر گوی سبقت ربوده اند. و سالنامه خستگی آور خونریزیها و چپاولها و تطاولهایی است که بزحمت میتوان یک موضوع عمومی گرانبهایی از آنها استخراج کرد^۱ فقط پس از رنج فراوان و صبر بی پایان میتوانیم نکاتی از آنها بیرون بیاوریم که نور ضعیفی بر اوضاع و مسائل منهدمی و سیاسی و اجتماعی بیفکند و همین مطالب است که اگر در دست مورخی مثل ابن خلدون میافتاد نتایج استادانه از آنها استخراج میکرد.

معدنك در عصر جدید آثار امید بخشی در پیشرفت تاریخ مشاهده
 علامت ترقی
 میگردد. میرزا جانی کاشانی که در ۱۷۵۲ جزء مقتولین دفعه
 در عصر جدید
 اول بسایه کشته شد تاجری بود بی بضاعت ادبی و کتاب
 نقطه الکافی را^۲ در تاریخ بایبه با حرارت و تشدد و عصیت نگاشت اما اطلاع کامل
 داشت و عباراتش ساده و عاری از اغلاق و عبارت پردازی های مطعون و منقور بود.
 تاریخ نا تمام بیداری ایرانیان تألیف ناظم الاسلام کرمانی^۳ که ذکر اسناد کرده و نفوذ
 اشخاص را در وقایع سیاسی مورد بحث و توجه قرار داده بنظر من از جنس دیگر است
 و مقامش بالاتر از تمام تواریخ فارسی است که در شش یا هفت قرن اخیر تحریر
 یافته است.

(۱) رجوع نماید بهلاحظات صحیبه که مستروین سنت اسبت در این باب نموده و در تاریخ اکبر شاه ۷- ۷۸۶ منتشر ساخته است. (۲) در ۱۹۱۰ چاپ شد و جلد بانزدهم سلسله انتشارات اوقاف کتب محسوب میگردد. (۳) این کتاب چاپ سنگی شده و جزوه جزوه انتشار یافت و تا اندازه که بدست من رسیده محتویاتش عبارتست از مقدمه ۲۷۳ صفحه جلد اول که در ۲۰ ذوالقعدة ۱۳۲۸ (۲۳ نوامبر ۱۹۱۰) بانتمام رسیده و رشته تاریخ را تا موقتی که آنرا هجرت صدری (دسامبر ۱۹۰۵) نام گذارده ادامه میدهد و صفحات جلد اول ۲۵۶ است. - جلد دوم در آخر صفر ۱۳۳۰ (۱۸ فروری ۱۹۱۰) خاتمه یافته و مشتمل بر ۲۶۰ صفحه است اما بهیچوجه اطلاع ندارم که این تألیف بانجام رسیده است یا نه

۲ - احوال رجال - سرگذشت‌های شخصی - سفرنامه‌ها

متداول بودن کتب
رجال فیما بین مسلمین

نویسندگان اسلام همیشه رغبت فوق‌العاده بنکارش کتب
رجال نشان داده اند و این کتب معمولاً از عموم بزرگان از
هر صنف و طبقه بحث نموده و حیات آنها را شرح میدهد مثل
وفیات الاعیان ابن خلکان و روضات الجنات که در قسمتهای اخیر این مجلد مطلب بسیار
از آن اقتباس نموده ام. و فیات الاعیان در قرن سیزدهم میلادی و روضات در قرن
نوزدهم تالیف یافته و هر دو عربی است. دیگر از کتب رجال نامه دانشوران است که
انواع مختلفه کتب
رجال

جمعی از فضلا (قریب شش نفر) بتحریر آن همت گماشتند این
کتاب بفارسی جدید است و طرح وسیع و مفصلی در آن پیش بینی
شده لیکن ناتمام مانده و فقط جلد اول آن در ۱۲۹۶، ۱۸۷۹
و جلد دوم در ۱۳۱۲/۵ - ۱۹۰۴^۱ در طهران چاپ سنگی شده است. غالباً این کتب
مخصوص احوال طبقات معینه میشود از قبیل وزراء اطباء شعراء و علماء و گاهی بترتیب
جغرافیائی یا تاریخی نگاشته میشود و هم بنکت جغرافی و هم مطالب تاریخی آراسته
میکردد. دستورالوزراء خواندمیر^۲ که بنا بر ماده تاریخی که در نام آن است در
۱۰/۹۱۵ - ۱۵۰۹ تالیف شده نمونه از نوع اول است و درست در ابتدای دوره که
نحت بحث هاست قرار می گیرد. اما راجع به حکماء و اطباء هیچ کتاب فارسی ندیده‌ام
که با تاریخ الحکماء فطمی^۳ و عیون الانباء ابن اصبیح^۴ برابری تواند کرد. این دو
کتاب در قرن سیزدهم میلادی که زمان خاص این قبیل مؤلفات بزبان عربی بوده بدون
گردیده اند. از طرف دیگر تذکره شعراء در زبان فارسی فراوان است مخصوصاً بعد
از آنکه سام میرزا فرزند شاه اسمعیل تحفه سامی را در سنه ۱۰۵۷/۱۵۵۰ بمطابعت
تذکره الشعراء دولت‌شاه نوشت تذکره نویسی معمول شد. سید نورالله شوشتری که
جهانگیر بنحریک سنی‌ها در سال ۱۰۱۹/۱۱ - ۱۶۱۰ بقدری او را تازیانه زد که

(۱) بکتاب «شامی و مطبوعات ایران جدید» تالیف من رجوع کنید جلد ۳ و ۴ و ۵

و ۲ و ۶ در طهران چاپ شده است (مترجم) (۲) رجوع نماید به صفحه ۳۳۵ ر. ب. (B.M.P.C)

(۳) توسط پروفسور جولوس لیبرت «لیپزیک» ۱۹۰۳ چاپ شده است (۴) در قاهره مصر

در دو مجلد بطبع رسیده «۱۲۹۹/۱۸۸۲»

جهانرا وداع گفت در میان هم مذهبیان خود بشهید ثالث^۱ ملقب است مشارالیه مؤلف کتاب بسیار سودمند مجالس المؤمنین است که شرح احوال بزرگان شیعه عرب و ایرانی از هر طبقه و از هر زمره را از شاه تا شاعر حاوی است. آثار البلاد زکریا بن محمد بن محمود القزوی^۲ و هفت اقلیم امین احمد رازی (تألیف ۱۰۲۸/۱۶۱۹) نمونه کتب جغرافی قدیم و شرح حال های مخلوط ب جغرافی محسوب میشوند^۳. تواریخ مختصه بلاد و ایالات ایران نیز بسیار در دست است و غالباً حاوی شرح حال بزرگان اهل محل است. در این مجلد نکات بسیار از تذکره های جدید ایران اقتباس نموده ام مخصوصاً در فصل راجع ب مذهب و علمای روحانی کتاب عربی روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات خیلی مرا بکار آمد.

روضات الجنات این تألیف سودمند که لایق بیش از این معرفی است شامل ۷۴۲ شرح حال از فضلا و علمای اسلام و شعراء قدیم و جدید است مؤلفش محمد باقر بن حاجی امیرزین العابدین الموسوی خونساری وزمان تألیفش نیمه دوم از قرن نوزدهم میلادی است. در ۱۳۰۶/۱۸۸۸ بانهایت خوبی در طهران چاپ شد (چیز اینکه حسب معمول فاقد فهرست است). تراجم احوال را بترتیب حروف تهجی مرتب کرده مثلاً احمد علی محمد و غیره اما کاملاً مراعات آن بترتیب هم نشده است این اسامی کمتر اتفاق می افتد که نام معروف آن شخص باشد بلکه بزرگان مزبور غالباً بالقاب و اسامی دیگر شناخته میشده اند که در ترتیب الفبائی در بادی نظر بنظر نمیرسد. مثلاً قسمت اعظم چهارمین و آخرین جلد مخصوص بزرگانی است که محمد نام داشته اند و تقریباً در ۱۴۳ مقاله مذکور شده اند این قسمت شامل احوال بزرگان علما از سنی و شیعه است که حالاتشان غالباً طرف رجوع و احتیاج میباشد از قبیل علمای بزرگ مثل کلینی ابن بابویه و شیخ مفید و مورخین از قبیل طبری و شهرستانی و علماء مثل رازی و بیرونی و فلاسفه مانند فارابی و غزالی و محیی الدین ابن العربی و شعرای فارسی مثل سنائی فریدالدین عطار و جلال الدین

(۱) رجوع کنید بریو (B.M.P.C) صفحه ۳۳۷-۸ (۲) بخط عربی توسط وستینفیلد (کوئینکن ۱۸۴۸) چاپ گردیده و سال بعد دیگری از مولفانش یعنی عجایب المخلوقات بطبع رسید (۳) در هفت اقلیم قسمت شرح احوال علیه دارد. این کتاب متأسفانه هنوز چاپ نشده و لوی عبدالقادر حواشی بسیار بر آن نگاشته و شروع بطبع هم نمود اما ناجائی که من اطلاع یافته ام فقط جزء اول آن (صفحه دهم تا ۱۱۴) در کلکته بسال ۱۹۱۸ طبع شده است.

رومی . در این کتاب هیچ شالوده صحیح و معینی منظور نشده نه ترتیب تاریخی نه سیاق دیگری که از روی آن بتوان بسهولت اشخاص را یافت کسی که این کتاب را دارد خود مجبور خواهد بود که فهرستی برای آن مرتب کند .

از جمله کتب دیگری که همیشه طرف مرور و رجوع من بوده
قصص العلماء است قصص العلماء محمد بن سلیمان تنکابنی است که در سنه

۱۲۹۰ / ۱۸۷۳ تألیف شده . در این کتاب تقریباً احوال ۱۵۰ نفر از علماء شیعه مندرج است و هر چند کمتر از *روضات الجنات* اطمینان بخش و صحیح است . اما روشن تر و خوانا تر است . دیگری از کتب مفیده فارسی که در همین

نجوم السماء و سایر موضوع بحث مینماید *نجوم السماء* تألیف میرزا محمد علی کتب احوال علماء است که در ۱۲۸۶ / ۷۰ - ۱۸۶۹^۱ تألیف شده و مشتمل

بر ذکر احوال علمای شیعه در قرون یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری (مطابق ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ میلادی) است همچنین دو کتاب دیگر مخصوص علمای بحرین و جبل عامل نوشته شده نخستین *لؤلؤة البحرين* تألیف شیخ یوسف الاحمد البحرانی است که در قرن هیجدهم میزیسته و دوم « *امل العامل فی علماء جبل عامل* » از مؤلفات محمد بن حسن بن علی . . . *البحر العاملی* که در قرن سابق زندگانی میکرده است .

لازم است شمه هم از کتاب جدیدی که دارای اختصاص و امتیاز
خطاطان

مخصوصی است ذکر نمائیم . این تألیف هر چند از آثار یکنفر ایرانی است اما بترکی تحریر یافته و اسمش خط و خطاطان است^۲ در تاریخ فن خط و اهل خط مؤلفش دانشمند فاضل میرزا حبیب اصفهانی است که قسمت آخر عمر را در اسلامبول بسربرد و عضویت انجمن معارف یا آکادمی عثمانی را دارا بود .

آنچه ذکر شد اسم چند کتاب مفید و گمنام بود و اگر کسی
تراجم شخصی بخواهد بر تمام کتب رجال و تذاکر احوال اطلاع حاصل کند

باید فهرستهای نسخ فارسی تألیف ریو ، اته و غیره رجوع کند اما راجع بسر گذشتهای

(۱) چاپ لکنه‌پور در سال ۱۳۰۳-۶/۱۸۸۵ (۲) چاپ بسیار منقعی از این کتاب در

اسلامبول انتشار یافت (۱۳۰۵-۸/۱۸۸۶)

شخصی مهم ترین همه تذکره احوال شیخ علی حزین است که یکی از منابع اولیه تاریخ هجوم افغان و سقوط اصفهان در ۱۷۲۲ بشمار میرود .

سفرنامه ها نیز بیک قسم سرگذشت شخصی است و ناصرالدین -
سفرنامه

شاه باین رشته توجه خاصی داشته است شرح سفارت فرخ خان امین الدوله بلندن و پاریس در پایان جنگ ۸ - ۱۸۵۷ ایران و انگلیس بقلم یکی از منشیان و همراهانش موسوم به میرزا حسین بن عبدالله نگاشته شده اما هنوز بطبع نرسیده است^۱ درخاتمه این سفرنامه اطلاعاتی راجع بدوایر دولتی و مؤسسات ملی فرانسه نیز مسطور است .

از اینها مهمتر و متنوعتر بستان السیاحه حاجی زین العابدین
بستان السیاحه

شیروانی^۲ است که در تاریخ ۱۲۴۷/۲ - ۱۸۳۱ نوشته شده مؤلف در ضمن شرح شماخی حالات خود را چنین بیان می کند که در نیمه شعبان ۱۱۹۴ (۱۵ اگست ۱۷۸۰) متولد شد او را در پنج سالگی بکربلا بردند و در آنجا مسکن گزید . سفرهای طولانی کرد به عراق و گیلان و قفقاز و آذربایجان و خراسان و افغانستان و هند ، کشمیر و بدخشان و ترکستان و ماوراءالنهر و خلیج فارس و یمن و حجاز و مصر و شام و عثمانی آسیا و ارمنیه و شهرهای ایران از قبیل طهران همدان اصفهان و شیراز و کرمان سفر کرد . حاجی شیروانی شیعه و درویش نعمه الهی بود و از این جهت بملاقات عده کثیری از علما و عرفا نائل شد . هوشی سرشار و دقتی فوق العاده داشت و وقایع و مشهورات سفر خود را بترتیب تاریخ مسافرت نمینگارد و آنها را تحت عناوین ذیل مرتب میسازد .

باب اول - در شرح حال حضرت خاتم النبیین و الیمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین .

باب دوم - حالات بعضی از علما و عرفا و حکما و بعضی از شعرا و دانشمندان

باب سوم - در بیان بعضی مذاهب متشکته و عقاید مختلفه .

(۱) نسخه خطی من (علامت K.V) در سال ۱۲۷۶/۱۸۶۰ برای شاهزاده بهرام میرزا بهاءالدوله نوشته شده و من جزء نسخ مرحوم شیندلر ایشیاع نمودم . در خصوص سفارت فرخ خان رجوع نمائید بتاریخ ایران واتسن ۱۸۰۰/۱۸۵۸ صفحه ۴۵۶ (۲) چاپ طهران ۱۳۱۰ - ۱۸۹۲ رجوع کنید بریو (B.M.P.S) صفحه ۱۰۱ - ۹۹ و ۱۳۹ و ۱۴۰ . همچنین رجوع شود بکتاب ب - ورن موسوم به ملانزا ، اکثره مغلوپ و منتضبه جلد سوم ص ۵۰ - ۵۹ .

باب چهارم - در بیان اسامی و جغرافی امصار و قراء واقعه در خطه ایران و ترکستان و افغانستان و هندوستان و بعضی اروپا و چین و ختا و ممالک عثمانی از شاهات و مصر و غیره بحروف تهجی .

سیر - در بیان مقدمات و ترتیب این بستان و بیان بعضی مطالب که مناسب آن است .
گلشن - در بیان بلدان و اشخاص آن که مقصد اقصای کتاب است و تعداد آن تطابق دارد با حروف تهجی چنانکه گلشن اول در حرف الف و گلشن بیست و هشتم در حرف پاء .

این کتاب حاوی مطالب متفرقه جغرافیای و رجال است که چون ترتیب حروف تهجی در آنها رعایت شده و فهرست مشروحی در ابتدای کتاب موجود است خواننده میتواند بسهولت استفاده نماید مؤلف خیلی متجسس و دقیق بود و هر چند نتوانست اروپا را سیاحت کند اما از معاشرت و مکالمه با سیاحان اروپائی غفلت نورزید و از مذاکرات آنها نکاتی راجع بممالک و آداب و رسومشان کسب نمود . در تحت عنوان فرنک (ص ۷ - ۳۸۵) نسبت باحوال و اخلاق ممالک معظمه اروپا بحث کرده فرانسه را اول و اطریش را دوم و انگلیس را سوم قرار میدهد و شرح مفصلی از مذاکرات با یک نفر انگلیسی که او را مستر و کلیس مینامد^۱ و در عظیم آباد با وی ملاقات کرده مینگارد . همچنین بصحبت سفیر اطریش مقیم اسلامبول رسید که ویرا بصیاحت ممالک خود دعوت کرد ولی مینویسد : « چون هیچ فایده روحانی بر این سفر مترتب نبود نپذیرفتم » گرانبهاترین قسمت های این کتاب مطالبی است که راجع بفرق و شعب مذهبی آسیا نگاشته و در خلال مباحث مختلفه از احوال زردشتیان و مزدکیان و یهود و نصارا و هندو و صوفیه و غلات بحث نموده است .

در اینجا غیر ممکن است که از تمام کتب مفیده قابل رجوعی که در تاریخ و رجال و جغرافی از نیمه قرن نوزدهم بعد در ایران نگاشته شده ذکر ی بکنیم . هر چند بیشتر آنها از کتب قدیمه عربی و فارسی استخراج و تلخیص شده اما در برخی مطالب مفیده جدیدی پیدا میشود که در سایر کتب نتوان یافت . فقط بعضی نکات مخصوصه که در این رشته ادبیات و کتب ایران جدید ملاحظه میشود خاطر نشان گردد .

(۱) شاید کلمه ولکنس Wilkins باشد که مملوط شده است .

معمولاً اروپائیان که فارسی تحصیل میکنند اگر در ایران زندگانی نکرده باشند اصطلاحاتی بکار میبرند که در کتب خطی دیده اند و اطلاعاتی از ادبیات اظهار میدارند که در فهرست بی نظیر دکتر ریو مندرج است اما بعد از دخول فن طبع و چاپ سنگی در ایران خاصه پس از ۱۸۸۰ اهمیت کتب خطی روز بروز کمتر شده است زیرا که کتب مهمه یا در چاپخانه سنگی یا در مطابع حروفی از روی نسخ اصلی چاپ شده اند: این ادبیات مطبوعه هنوز آنقدر که ادبیات خطی مورد توجه قرار گرفته جلب وقت نکرده است. و غالباً غیر مقدور است که اطلاعات صحیح مراجع بمؤلف یا مندرجات یکی از کتب جدید بدست بیاوریم انتشار فهرست کتب چاپی فارسی موزه بریتانیا^۱ که توسط مستر ادواردس جدیداً تهیه و طبع شده قدم بزرگی است در طریق تکمیل اطلاعات سابقه. اما یادداشت هائی که راجع به کتابی ذکر کرده قهرآخیلی مختصر است و قاعده جزکیاتی راجع بمؤلفات مختلفه هیچ نکته مخصوصی از احوال مؤلفین و مصنفین را حاوی نیست. آنچه لازم است یکفهرست استدلالی مبسوطی است از کتب فارسی که در قرن اخیر تالیف و در ایران طبع شده است. زیرا که صورت کتب فارسی طبع عثمانی و مصر و هند را بدلایلی که ذیلاً خواهیم نگاهت بسهولت میتوان تحصیل کرد.

حقیقت اینست که تجارت کتب فارسی خیلی هفتشوش و قرین هرج و مرج است ناشرین و کتابفروشان صاحب تمکن و با نبات وجود ندارند و فهرستی از کتب موجوده هرگز انتشار نمییابد. اغلب کتب قیمت معین و محل فروش ثابت ندارند. خیلی از آنها عدد صفحات را فاقدند. و کمتر کتابی بنظر میرسد که فهرست مندرجات یا جدول اسمی داشته باشد. غالباً کتبی که در چند جلد چاپ میشود در هر جلدی شکل و قطع و طرحش تغییر یافته و حتی موضوعش هم در طول سخن عوض میشود و خود مؤلف هم غالباً تغیر لقب میدهد. محض نمونه یکی از چند کتابی را که بنام میرزا محمد حسن خان پسر حاجی علی خان مراغه ملقب بحاجب الدوله و اعتماد السلطنه نوشته شده نام میریم خود محمد حسن خان هم بی در پی بالقاب صنیع الدوله مؤتمن السلطنه

(۱) لندن ۱۹۲۲/۹۶۸ ستون این کتاب بترتیب نام مؤلفین ترتیب یافته اما بک فهرست

عموم القاب و یکفهرست مواد نیز تنظیم شده است

واعتماد السلطنه ملقب شده است قبل از هر چیز باید گفت که بهیچوجه معلوم نیست این کتب را خود اعتماد السلطنه نوشته باشد در افواه مشهور است که اعتماد السلطنه چند نفر از فضلاء تنگدست را مجبور میکرد که این کتب را بنویسند و عنوان مؤلف را بخود اختصاص میداد^۱ از این دو عمل نخستین را میتوان بیک تقریبی پذیرفت اما دومین قابل سرزنش و تقییح است. باری در ۱۲۹۳/۱۸۷۶ جلد اول مرآت البلدان را که فرهنگ جغرافیائی بلاد و قراء ایران است و بیشتر اساسش روی معجم البلدان یا قوت حموی است و از حرف الف تا تاء را شامل است انتشار داد. ظاهراً این جلد در مرتبه چاپ شده طبع اول با ذکر تبریز خانمه یافته و دارای ۳۸۸ صفحه است و چاپ دوم که در سال بعد (۱۲۹۴ / ۱۸۷۷) صورت گرفت ذکر طهران را نیز حاوی است و ۶۰۶ صفحه دارد. مؤلف بعد از اینکه بطهران رسیده مثل اینکه از جغرافی خسته شده کتاب خود را بتاریخی از دوره سلطنت ناصرالدین شاه (سلطان وقت) ادامه داده و در پایان آن جلد و سایر مجلدات بیک تقویم و سالنامه اوضاع درباری افزوده است. جلد دوم شامل وقایع پانزده سال اوائل سلطنت ناصرالدین شاه و دارای ۲۹۸ صفحه است غیر از سالنامه مربوط بسنة ۱۲۹۵ / ۱۸۷۸ که خود ۴۵ صفحه میشود. جلد سوم بهمین طریق ادامه یافته و اوضاع سلطنت را از سال شانزدهم تا سال سی و دوم در ۲۶۴ صفحه شرح داده و سالنامه اش به پنجاه صفحه بالغ میگردد. در اینجا ظاهراً مؤلف بیاد خیال و مقصود نخستین خود که ذکر مطالب جغرافی بوده افتاده و در جلد چهارم فرهنگ جغرافی را ادامه داده حرف تاء و جیم را با تمام رسانیده است. اما مجدداً وارد تاریخ شده شمه از وقایع سال تألیف (۱۲۹۶ / ۱۸۷۹) را ذکر نموده و سالنامه معمولی را ضمیمه میکند. در این جلد بشادمانی صالح و صفائیکه میان تاریخ و جغرافیا صورت گرفته بر قطع کتاب افزوده میشود و از $\frac{1}{4}$ ۱۰ اینج طول و $\frac{3}{4}$ ۶ اینج عرض میرسد به $\frac{1}{4}$ ۱۳ اینج طول و $\frac{1}{4}$ ۸ اینج عرض.

در اینوقت مؤلف چنین بنظر می آید که از مرآت البلدان خسته و کسل شده زیرا که پس از یکسال استراحت به نشر کتاب جدید موسوم بسه منتظم ناصری همت گذاشت سه جلد از آن در سال ۱۲۹۸-۱ - ۱۳۰۰ مطابق ۱۸۸۱-۳ از طبع خارج شد

(۱) رجوع کنید به مطبوعات و نشر در ایران جدید ص ۱۵۶-۱۶۴

من فقط جلد اول و سوم این کتاب را در دست دارم نخستین شامل خلاصه تاربخ اسلام از سال اول هجرت الی سنه ۶۵۶ هجری (۶۲۲ - ۱۲۵۸ م) است یعنی تاربخ خلفا بضمیمه وقایع مهمه ایران و اروپا در سال شمسی که ابتدایش مارچ ۱۸۸۰ است این قسمت از صفحه ۵۷ - ۲۳۹ را فرامیگیرد در آخر کتاب ۴۲ صفحه تقویم و سالنامه در بار ضمیمه است جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ۱۱۹۴ / ۱۷۷۹ تا سال ۱۳۰۰ / ۱۸۸۲ (صفحه ۳۸۷ - ۳۲) بعلاوه سالنامه اخیر است.

سال بعد اعتماد السلطنه تألیف جدیدی را شروع میکند بنام

مطلع الشمس

مطلع الشمس در ابتدای این کتاب عذر خواهی بی اساس و

۴ - ۱۳۰۱ هجری

عادی از ناتمام ماندن مرآت البلدان مندرج است و گوید

مطابق ۶ - ۱۸۸۴ میلادی

چون بعد از حروف مندرجه در مرآت البلدان حروف خاء و

حاء میآید و چون خراسان مهمترین ایالتی است که به حرف خاء شروع میشود و چون

ناصرالدین شاه که مؤلف از بندگان مطیع اوست و تمام کتبش بنام او مزین شده اخیراً

بآن ایالت سفر کرده تصمیم گرفته‌ام که این کتاب را مخصوص اوضاع آن ایالت نمایم

و نظر باینکه خراسان در مشرق ایران واقع است کلمه مطلع الشمس را عنوان

قرار میدهم. پس در جلد اول که در سال ۱۳۰۱ / ۱۸۸۴ تألیف شده وضع جاده طهران

بمشهد را که از دماوند فیروز کوه بسطام و بجنورد و قوچان میگذرد وصف نموده

و احوال و اوضاع هر یک از این بلاد را باقری و منازل بین راه شرح میدهد. جلد

سوم که در سنه ۱۳۰۲ / ۱۸۸۵ طبع شد وصف مشروحاتی از شهر و ابنیه مشهد و گذارش

تاریخی آن از سنه ۴۲۸ / ۱۰۳۶ تا ۱۳۰۲ / ۱۸۸۵ و بزرگان و اعظام رجالی که در

آنجا تولد یافته اند و احوال امام علی الرضا [ع] را حاوی است و در خاتمه

(۴۶۹ الی ۵۰۰) فهرست گرانبهائی از کتب کتابخانه آستانه ضمیمه است در میان

این مطالب جغرافیائی و تاریخی تذکره شاه طهماسب صفوی هم (از صفحه ۱۶۵ تا

۲۸۶) مندرج است. این همان تذکره است که در یکی از فصول قبل مطالب بسیاری

از آن نقل نمودیم. جلد سوم (که در ۱۳۰۳ / ۱۸۸۶ منتشر شد) در شرح مراجعت

شاه است از طریق معمولی زوار (نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان) با تاریخ و جغرافیائی

و احوال رجال بزرگ هر یک از این بلاد و منازل بین راه. در پایان هر جلدی تقویم و

سالنامه در بار نیز ضمیمه است.

سایر مؤلفات
محمد حسن خان

سایر تألیفات کثیره محمد حسن خان که بعد از مطلع الشمس نوشته شده دارای سالنامه است که عدد صفحاتش خارج از کتاب است. فقط تاریخ زنان مشهور مسلمان که خیرات حسان نسام دارد و در سه مجلد در سنوات ۷-۱۳۰۴ مطابق ۹۰-۱۸۸۷ چاپ شده سالنامه همراه ندارد اما در آخر مآثر و الاثار که شرح کارهای بزرگ که چهل سال از سلطنت ناصرالدین شاه است سالنامه منضم است کتاب مآثر و الاثار برای اشخاصیکه بخواهند از احوال مردمان بزرگ و تکامل اوضاع ایران تا سال تحریر آگاهی حاصل کنند بسیار واجب و لازم است بکنفر نویسند دیگر موسوم و معروف بمحمد تقیخان حکیم در سال ۱۳۰۵/۸-۱۸۸۷ فرهنگ کاملی از اسامی اماکن و بلاد ایران مشتمل بر ۵۷۴ صفحه تألیف نمود و آنرا گنج دانش نام نهاد یکی از محاسن امیدبخش این کتاب آنستکه در ابتداء فهرست مفصلی از منابع و مأخذ و کتبی که طرف رجوع مؤلف بوده ثبت شده است از جمله عده از کتب اروپائی و مورخین قدیم یونان را نام می برد.

این کتب چاپی فارسی با وجود نواقصی که دارند از حیث خط خوش و صحافی محکم و کاغذ اعلا ممتازند و مورث ملال خواننده نمیشوند بعضی از آنها مثل خط و خطاطان سنگلاخ و مثنوی کشف الایات چاپ علاءالدوله واقعاً کتب دلپسند و زیبائی هستند و تقریباً تمام کتب چاپ ایران بر طبع هندوستان ترجیح بین دارند. اما این کتب را در اروپا بزحمت میتوان بدست آورد و گویا جز در طهران و تبریز و شاید اصفهان بسهوات نتوان نسخه آنها را تحصیل نمود. و حتی مجموعه کتب موزه بریتانیا هم نواقص بسیار دارد اما مجموعه متعلق بمن که بدو در ایران خریداری شده علت آنکه بالنسبه کامل شده آنست که مقداری کتب از دو کتابخانه معتبر بدست آورده و بان افزوده ام. یکی کتابخانه مرحوم شارل شفر دیگر کتابخانه مرحوم سر هونم شیندلر. چنانکه قبلاً گفتیم بزرگترین خدمتی که بفضای ایران شناس میتوان کرد تألیف يك فهرست صحیح و مشروحی از کتب چاپ ایران و نشر آن در بازارهای کتابفروشان فرنگستان است.

(۱) برای اطلاع از کتبی که من در ایران در یالیر ۱۸۸۸ خریده ام رجوع کنید بیک

از آنجائیکه چاپ سنگی مقدمات سهل و ساده دارد و مستلزم مهارت فنی یا مخارج هنگفت نیست غالباً فضایی تنگدست و کتابدوستان کم سرهایه بآن مهارت میورزند و عدهٔ خیلی خیلی کتاب چاپ می نمایند بطوریکه در مدت کمی نسخ تمام میشود باین حجه بسیاری از کتب چاپ سنگی را از حیث نایابی دوردیف نسخ خطی باید محسوب داشت نه در حکم کتب چاپی^۱

فصل دهم

ترقیات سالهای اخیر

(از ۱۸۵۰ میلادی بعد)

نقوذهای تجدد آور من درصدد اثبات این مطلب برآمده ام که پس از نیمه قرن

نوزدهم میلادی ادبیات فارسی ثراً و نظماً روحی جدید یافته

و نه فقط روی بفساد نگذارده بلکه بمرتبه از تعالی و ترقی رسیده که در چهارصد سال

اخیر (تقریباً از ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰ میلادی) که موضوع بحث این مجلد است بآن نائل

نگردیده بود. اکنون علیحدہ بذکر سه چهارنوع از ادبیات جدید که در سنوات اخیر

پیدا شده میپردازم میرزا محمد علیخان تربیت که مؤلف حقیقی کتاب من موسوم به

«مطبوعات و شعر جدید ایران» است (درصفاحت ۶۶ - ۱۵۴) علت ایجاد آنها را

تحت عنوان ذیل بیان نموده است: «عوامل تجدد آوری که در مطبوعات ایران مؤثر

واقع شده اند غیر از جراید و مجلات «مشارالیه از جمله این مؤثرات جزوه های علمی

مختلفی را می شمارد که معلمین اروپائی دارالفنون و مدارس نظامی و سیاسی طهران از

۱۸۵۱ بعد مینگاشته اند. همچنین ترجمه هائی که از کتب

دارالفنون

اروپائی (خاصه از کتب فرانسه) شده مثلاً تیاترهای مولیرو

افسانه های ژول ورن و همین ترجمه ها بود که اسباب مزید توجه مردم بااروپا و تمایل

بالسنه خارجه گردید. آقای تربیت صورت ۱۶۲ کتاب مترجم و رمانهاییکه ایرانیان

هبتکراً بسبک اروپائی نگاشته اند تهیه نموده است. هر کس طالب این قبیل تحقیقات

باشد ممکن است بآن صورت رجوع نماید.

ظهور انقلاب ۱۹۰۶ و توسعه فوق العاده جریده نگاری که ثمره آن بشمار میرود

وسهولتی که در طبع و نشر بواسطه همین رواج مطبوعات حاصل گردید نهضت ادبی را

پیشرفتی جدید ارزانی داشت. نهضت مزبور هر چند در ایام جنگ بین الملل دچار

وقفه شد ولیکن پس از جنگ حرکت و جنبش جدیدی پیدا کرد. درین باب آنچه باید بگوئیم تحت سه عنوان قرار میگیرد نمایش - زمان و مطبوعات اما راجع به نخستین و دومین تفصیلی نمی توانیم داد.

نمایش (تئاتر)

نمایش تنها نمایش بومی که میتوان نام برد همان تعزیه ایام محرم است و راجع بآن در یکی از فصول سابقه سخن رانده ایم و حتی مسلم نیست که در تعزیه هم اثری از تئاترهای اروپائی وارد نشده باشد. لااقل سه کتاب از نمایش های مضحک مولیر فرانسوی بزبان فارسی ترجمه شده است (از اینقرار: ترجمه مولیر طیب اجباری گزارش مردم گریز هیز انترپ *Misanthrope* و یکی دیگر بفارسی آنرا نمایش خرنام نهاده اند و بنظر من تئاتر (Etourdi باشد) اما نسخ این ترجمه ها کمیاب است و معلوم میشود رواجی فیما بین عامه نداشته. من فقط نسخه هیز انترپ را دارم که در مطبعه تصویر افکار اسلامبول در سال ۱۲۸۶/۷۰ - ۱۸۶۹ چاپ شده و عنوانش گزارش مردم گریز است اخلاق و حالات اشخاص این نمایش تغییر یافته است و صورت ایرانی بخود گرفته و مکالمات تمام منظوم و خیلی باصل نزدیک است. گاه گاه اصطلاحات و امثال فارسی هم دیده میشود که بجای امثال فرانسوی گذاشته شده است. مثلاً اشعار ذیل ترجمه سرود قدیمی است که در پرده اول مجلس دوم کتاب مولیر بنظر میرسد.

«Si le roi m'avait donné
Paris, sa grand, ville,
Et qu'il me fallût quitter
L'amour de ma mie.
Je dirai au roi Henri
Reprenez votre Paris
J'aime mieux ma mie o gai !
J'aime mieux ma mie !»

گر بیک هوی ترک شیرازی	بدهد پادشه بمن شیراز
گویم ای پادشاه گرچه بود	شهر شیراز شهر بسی انباز
ترک شیراز کمافی است مرا	شهر شیراز خویش بستان باز

اگر اشعار فارسی ذیل را با پردهٔ دوم مجلس هفتم مقایسه کنیم نمونهٔ خوبی از طرز ترجمه بدست خواهد آمد. اشخاص عبارتند از مونس (بجای Alceste) و فتینه (بجای Géliméne) و لیلیا (بجای Eliante) و ناصح (بجای Acaste) و نعیم (بجای Philinte) و فراش (بجای یکی از قراولان Maréchaussée) مونس (به پیش فراش می‌رود): چه هست فرمایش؟

بیا بینم!

فراش	دارم دو حرف با سر کار
مونس	توان دو حرف خودت را کنی بلند اظهار
فراش	رئیس دیوان آن را که بنده ام فراش
	مرا بدست بدادست حکم حاضر باش
	بتو ...

مونس بکه؟ بمن؟

فراش آری بتو

مونس	برای چه کار
ناصر	بحرف مفت (امیدی) و حضرت سر کار
	فتینه بناصح: چسان!

ناصر (امیدی) واو گذشته اند دست و بغل

بچند شعر که نگذاشته است وقع و محل

کنون ز پیش بخواهند بست وارهٔ کار

مونس من و مداهنه هرگز نمیکنم اقرار

ناصر ولیک حکم چنین رفته هین بجنب ازجا

مونس میانها چه بخواهند داد صلح و صفا؟

بحکمهای بزرگان مگر بود تنسیق

که شعرهای بد مردمان کنی تصدیق؟

از آنچه گفته ام انکار نیست زان مرجو

بداست هر چه بخواهی

ناصر ولیک مضمون تو

مونس نمیتوان گذرم شعرها پرو بوج است
 ناصح قبول رأی تو خواهند و جای خواهش هست
 برو ! ...

مونس میروم اما نمیتوان ابداً
 ز رأی خویش بگردم

ناصح برو تو خود بنما
 مونس مگر بحکم شهی خاص گردو منسوب
 که شعرهای ستیزیده یافت باید خوب
 و گرنه فاش بگویم که شعرهاش بدند
 بیاید اینکه چنین شاعران بدار کشند
 (به نعمان بیگ و نعیم بیگ همین که دید میخندند)
 حقیقة که چنین سخنرهم نبود گمان
 که بوده باشم و هستم بکنان !

ناصح روان شوهان
 فتینه که جاشمارا باید ...

مونس روم ولی دردم
 بیایم اینجا تا کشم برم از هم

در نسخه هن اثری از نام مترجم دیده نمیشود و هیچ مقدمه بنظر نمیرسد. جای
 تعجب است که در همین سال ۱۲۷۶/۷۰ - ۱۸۶۹ که میرا تترپ ترجمه شده احمد
 وفین پاشا نماینده های ژرژ داندن طیب اجباری را^۱ ترجمه و نشر نمود ولی تیاتر تارتوف
 کمی بعد ترجمه شد.^۲

نمایشهای میرزا جعفر
 قراچه داغی
 در ۱۲۹۱ / ۱۸۷۴ در طهران هفت بازی فارسی در يك مجلد
 چاپ سنگی شده و با يك مقدمه در فوائد تعلیمی نمایش
 بقلم میرزا جعفر قراچه داغی انتشار یافت. این بسازیها را
 میرزا فتحعلی دربندی بدواً بترکی آذربایجانی نوشته و در حدود سنه ۱۸۶۱ در تفلیس

(۱) ج. ۱. و. تاریخ شاعری ضابطان تالیف گیب جلد پنجم ص ۱۴ (۲) اجنا
 ص ۵۹ و نمره ۱ ضمیمه آن

چاپ نموده بود. پنج فقره از این نمایشها را با حواشی و ترجمه و نوت های بسیار مجدداً در اروپا بطبع رسانیدند. از اینقرار: (۱) وزیر لنگوران متن ترجمه فهرست لغات و یادداشت. توسط و. ح. د. هاگاردوج. لواسترینج (لندن ۱۵۸۲) (۲) سه نمایش مضحك ترجمه از لهجه ترکی آذری و فارسی با حاشیه و توضیحات... ناشر ت. باریه و هنار و گویار (پاریس ۱۸۸۶). (۳) مسیوزوردان با ترجمه و نوت و غیره. ناشر. ا. وارهون (وین و لیزیک ۱۸۸۹). سه تمثیل مضحکی که در قسمت (۲) گفته شد عبارتند از خرسی قلندور و باسان و وکلای مرافعه و ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر. اما دو نمایش دیگر که هنوز در اروپا طبع و نشر نشده عبارتند از مرد خسیس و یوسف شاه سراج^۱

سه تیاتر پرنس ملکم خان سه تمثیل هم از آثار پرنس ملکم خان وزیر سابق ایران در دربار لندن بنظر رسیده که تاریخ تحریر آنها معلوم نیست. سابقاً قسمتی از آنها در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز در سال ۱۳۲۶ / ۱۹۰۸ طبع گردید اما نسخه کامل هر سه تیاتر در کتابخانه دکتر ف. روزن دیلمات و مستشرق معروف آلمانی بدست آمد و در سال ۱۳۴۰ / ۲ - ۱۹۲۱ در چاپخانه کویانی برلین طبع شد. این سه نمایش عبارتند از: (۱) سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان در ایام توقف او در طهران (سنه ۱۲۳۲ / ۱۸۱۷) (۲) طریقه حکومت زمان خان بروجردی در سنه ۱۲۳۶ / ۱ - ۱۸۲۰ (۳) حکایت کربلا رفتن شاهقلی میرزا و سرگذشت ایام توقف چندروزه در کرمانشاهان نزد شاه مراد میرزا حاکم آنجا.

بالاخره در ۱۳۲۶ / ۱۹۰۸ روزنامه در طهران بنام تیاتر ایجاد جریده تیاتر شد که ماهی دو مرتبه انتشار یافت و مندرجاتش عبارت بود از بازیهای که مشتمل بر ذم و قدح اصول استبدادی باشد. من فقط بعضی نمرات این جریده را دارم که قسمتی از تیاتر موسوم به شیخعلی میرزا حاکم ملایر و تویسرکان

(۱) تیاتر کیمیاگر راج. لواسترینج در مجله هایونی انجمن آسیائی مربوط بسال ۱۸۸۶ (ص ۱۳۰ - ۱۲۶) ترجمه و چاپ نمود. تیاتر یوسف شاه در همین مجله بناریخ ۱۸۹۵ (ص ۶۹ - ۵۳۷) بتوسط کلنل سراس ترجمه و منتشر گردیده متن همین تیاتر بتوسط ا. سل در مدرس بسال ۱۸۸۹ طبع شد و جوع کنید بفهرست ا. ادواردس راجع بکتاب چاپی فارسی موزه بریتانیا ۱۹۲۲ مجموعه ۸-۲۰۷

و عروسی او بادختر پادشاه اجنه در آن دیده میشود .

این بود تمام نمایشهای فارسی که تا حال بنظر من رسیده است^۱ عموماً نمایشهای مضحك (کمدی) و در هجو اصول اداری و اوضاع اجتماعی ایران می باشد. در بازی وزیر لنگوران يك معاشقه عامیانه پستی هم با اصل حکایت آمیخته است اما کلیه قسمت معاشقه از میان نمایشهای فارسی مفقود است . و قصد نویسندگان فقط همین است که نفرت و عداوت مردم را نسبت بطرز قدیم حکومت تحریک کنند . بعبارة آخری این تألیفات مثل سیاحتنامه ابراهیم بيك که بعدها مختصری راجع بآن خواهیم نگاشت قبل از هر منظوری برای بیان نکات سیاسی نوشته شده اند و صورت بازی ندارند و تقریباً هیچيك از آنها در صحنه نمایش بازی نشده اند و هیچکدام از حیث تأثیر بسا تیاتر ترکی « وطن یا خود سیلیسترا »^۲ تألیف کمال بيك قابل مقایسه نیستند . خلاصه تیاتر هنوز موفق نشده است که در ایران محلی برای خود باز کند و حتی بقدر ترکیه هم رواج بیابد .

رمان

در ایران حکایاتی بسبك الف لیله یا حسین کرد که بومی تر رمان رمان و رایج تر است بسیار دیده میشود اما راجع برمانهای حقیقی کمتر از آنچه درباره تیاتر گفتیم سخن میتوان راند اخیراً دو کتاب بنظر من رسیده که مؤلفین آنها سعی و هوس کرده اند وقایع واحوال ایران را در عهد رواج دین زردشت و قبل از ظهور اسلام بلباس رمان در آورده اند . یکی راجع است بکورس و دیگری بقیاد و فرزند و جانشینش انوشیروان و مزدك زندیق بدعت گذار .

عشق و سلطنت رمان
تاریخی زمان کورس
زمان کورس (۱ ب جلد اول آن که بنام دیباچه کتاب دو جلد دیگر نیز باقی دارد) در سنه ۱۳۳۴/۱۹۱۶ با تمام رسید و در سنه ۱۳۳۷/۱۹۱۹ در همدان چاپ شد . اسم آن عشق و سلطنت

(۱) بعد از تحریر این قسمت نمایش دیدم موسوم به « جعفرخان از فرنگ آمده » تألیف حسن مقدم . این تیاتر دو سال قبل در طهران طبع شده است . (۲) کلب (در ص ۱۵ پنجم ص ۱۵) در کمال اختصار اشاره میکند که از نمایش این تیاتر در نمایشگاه جدیدی بپارچه هبجان و شوری در مردم ایجاد گردید سلطان عبدالعزیز خیلی متغیر و مضطرب شد و او را به فلادگوسنا در جزیره قبرس تبعید نمود

و مؤلفش شیخ موسی نامی است که مدیریت مدرسه دولتی نصرت همدان را دارد و در
جانوری ۱۹۲۰ از روی لطف نسخه برای من فرستاد. در مقدمه بعبارت ذیل از کتاب
خود توصیف میکند: «میتوان گفت اولین رومانی است که در ایران با سلوب مغرب
زمین تألیف شده.»

تالوده کتاب بر این نهاده شده که يك رمان تاریخی باشد اما اسامی اعلام عموماً
بشکل فرانسه آنها قید گردیده نه باصل پارسی قدیم مثلاً «میرادات» (که صحیح آن
مهرداد است) «اکباتان» (اکباتاناکه همان هاگماتاناکه (همدان) قدیم است) «آگرادات»
«ایسپاکو (اسپاکو) و ساکزار» (سیاکسارس بجای هوا خشاتارا) اما کامبیزس (کامبوجیا
بشکل «کامبوزیا» که میانه هر دو صورت مذکور است نوشته شده است. توصیفات
مشروح از مناظر و مجالس و اشخاصی که وارد متن حکایت شده و گفتگوهای بسیاری
که مبادله گشته طبعاً بتقلید نمونه‌های اروپائی است. اصل قصه که چاشنی از عشق
و جنگ در آن داخل کرده اند اگر چه خیلی جذاب و سوزاننده نیست لیکن قابل
خواندن است اما اعداد و سنین و یادداشتهای راجع بآثار عتیقه و اساطیر و ملاحظات
مطول تاریخی که اساساً مبتنی بر روایات هر دو و اطلاعات مستخرجه از اوستاست
بر سنگینی کتاب افزوده است بهیچوجه در استعمال زبان قدیم یا طرد و ترك لغات عربی
سهی نشده اما مؤلف جهد بلیغ نموده که در بیان وقایع و سنین و رسوم تاریخی دچار
اغلاط فاحش نگردد بعبارت مختصری که ذیلاً از آن رمان نگاشته میشود مبرهن خواهد
ساخت که تاچه پایه انشاء این کتاب باعبارت حکایات رایجه در ایران متفاوتست:

«بلی این تهیه تهیه عروسی است و گمان ندارم که عروسی جز برای کورس
پادشاه با اقتدار پارس مهدی باشد چه که امروز کس جز او اینقدر در نزدهالی اکباتان
محبوبیت ندارد که مردم عروسی او را چون عیدی بزرگ دانسته و بازارها را زینت
کرده و از صمیم قلب اظهار سرور و شادمانی نمایند.»

نمیدانم این رمان تاریخی تاچه حد در ایران شهرت و رواج یافته است و جز
همانکه مصنف برای من فرستاده بود تاکنون نسخه از آن ندیده ام. با این کتاب
مراسله هم بتاريخ ۴ صفر ۱۳۳۸ (۳۰ اکتبر ۱۹۱۹) همراه بود هبنی بر اینکه راجع
بکتاب در جریده تابمس چیزی بنگام امیدوارم این شرح مختصر را که برای

معرفی کتاب ایشان در اروپا از آن بهتر در قوه من نیست پذیرند . فی الحقیقه این تصنیف برای کسب اطلاعات قابل تمجید است و برای اشتغال خاطر هموطنان مصنف بسیار مفید و سبک و شیوه در ادبیات ایران وارد می کند که تا این زمان سابقه نداشته است .

دام گستران یا انتقام خواهان مزدك دومین رمان از رمانهایی که در ابتدای این قسمت اشاره کردیم در بمبئی بسال ۱۳۳۹ / ۱ - ۱۹۲۰ چاپ شده مؤلفش صنعتی زاده کرمانی و اسمش « دام گستران یا انتقام خواهان مزدك » است این رمان هم نسا تمام مانده زیرا در آخر صفحه ۱۱۰ عبارت « جلد اول تمام شد » دیده می شود . و هیچ معلوم نیست که مؤلف تا کجا میخواست است دنباله حکایت را بکشد و نمیدانم قسمت دیگر هم بر آن افزوده شده است یا نه . در کلیات عبارات خیلی شبیه برمان عشق و سلطنت است اما اغلاط تاریخی و عتیقه شناسی بسیار دارد مثلا در صفحه ۱۰ نقش بهرام گور را بیان کرده و گوید « در تحت آن تصویر بخط میخی نوشته شده بود »!

قبل از آنکه از این موضوع بگذریم لازم است شرحی راجع بسر گذشت شرلوك خمس معروف بنگاریم مترجم میر اسمعیل عبدالله زاده است که از روسی ترجمه کرده و در مطبعه خورشید طهران در سال ۱۳۲۳ / ۶ - ۱۹۰۵ بچاپ رسانیده است اسم آنها از اینقرار است :

شرلوك خمس در ایران و عثمانی واقعه نمایش های طلائی - شرح حال اگوستس میلورتن^۱ و از باب ده اسم هلمس بعد از آنکه بروسی ترجمه شده بشکل خمس یا خموس در آمده و از این حیث دکتر واتسن Watson خوش اقبال تر بوده است . انشاء این حکایات در نهایت سلاست و روانی است و برای مبتدیان زبان فارسی از بهترین کتب بشمار میرود اما شرطش اینست که بدست بیاید و این رمانها نادرالوجودند . در عثمانی شرلوك هلمس خیلی رواج است .

(۱) رجوع کند بکتاب من « مطبوعات و شعر ایران » صفحه ۲۲ و ۱۶۴ متن فارسی در سه جلد چاپ شد نخستین در قاهره بی تاریخ و دومین در کلکته در سال ۱۳۲۳ / ۵ (۱۹۰۵) تا سنه ۱۹۰۷ چاپش بانجام نرسید . سومین در اسلامبول در ۱۴۲۷ / ۹ - ۱۹۰۹ ترجمه جلد اول به آلمانی توسط دکتر والتر شوئزدر لیبزیک بسال ۱۹۰۳ چاپ شد .

مطبوعات

رواج چاپ در ایران راجع به جرائد ایران که در ظهور تجدد عاملی قوی بوده اند در کتاب دیگر خود^۱ بقدری مشروحاً سخن رانده ام که اینجا حاجت به بیج تفصیلی نمی بینم فن چاپ قریب یکقرن پیش بشویشق عباس میرزا در ایران رایج شد. و نخستین روزنامه در ۱۸۵۱ انتشار یافت.^۲

بعد از این جریده روزنامه های دیگر نیز منتشر گشت اما چون از طرف دولت بوده اند رنگ و بونی ندارند و حتی در سنه ۸ - ۱۸۸۷ نیز که من در ایران سفر میکردم تنها جریده قابل مطالعه زبان فارسی همان اختر بود که هفته یکبار در

پنج جریده مهم
در آغاز امر

اسلامبول چاپ میشد. تاریخ تاسیس اختر ۱۸۷۵ و مدت انتشارش قریب بیست سال است قانون پرنس ملکم خان هم در ۱۸۹۰ در لندن تاسیس و طبع و نشر مییافت اما نظر بحملات سختیکه بحکومت و شاه و وزراء ایران میکرد انتشار آن در مملکت ایران ممنوع گردید تاسیس حبل المثنین کلکته در سال ۱۸۹۳ و ایجاد جریده ثریای قاهره در ۱۸۹۸ واقع گردید روزنامه پرورش ۱۹۰۰ به جای ثریا انتشار یافت. این پنج روزنامه مهم فارسی بود که در خارج ایران طبع میشد و تا سال ۱۹۰۸ که انقلاب صورت گرفت وجدال میان شاه و ملت بحد کمال رسید جراید مستقل و متنفذ در داخله ایران منتشر نشد.

از بهترین این جراید داخلی از نقطه نظر ادبی صور اسرافیل و نسیم شمال و مساوات و نوبهار را باید شمرد. نخستین و دومین و چهارمین اشعار خوبی از آثار دهخدا. سید اشرف

بهترین جریده
بعد از انقلاب

گیلانی و بهار مشهدی در بر داشتند و من از آنها استفاده ها برده و اشعاری برای

(۱) «مطبوعات و شعر در ایران جدید» کتبیج ۱۹۱۳ (۲) قبل از ۱۸۵۱ هم روزنامه در ایران بود مثلاً در زمان سلطنت محمد شاه (۱۸۳۵ - ۱۸۴۸ م) و حتی در عهد فتحعلیشاه رجوع کنید به جریده کوره مخصوصاً شماره ۶ از دوره جدید (ت. ز) مقاله که بآن اشاره میکنند در تاریخ ۸ جون ۱۹۲۱ در ص ۱۶ - ۱۴ کاور انتشار یافته است. در این مقاله اشاره مهمی بوجود یک جریده فارسی هست که در دهلی بسال ۱۷۹۸ طبع شده است اما صرفاً مدلل میکند که در ۸/۱۲۵۳ - ۱۸۳۷ در طهران هم یکروزنامه دایر بوده است